

چرا دوغ از امارات می آورند!



خسرو معتمد

روزنامهنگار ومورخ

چای وارداتی که کم‌کم جایگزان گیلاتی را می‌شکند، هستند. دیروز در کلبیه دیدم خبیر از واردات چندین هزار دلار دوغ از امارات متحده عربی است؛ چهار محموله بزرگ دوغ با بهای بسیار گران. هویج کلبیوی ۹۰هزار تومان در دسته پالاستینیکی از امریکا می‌آورند و در فروشگاه‌های شهروند شهرداری می‌فروشند. پیش از انقلاب اسلامی مطبوعات امریکا و اروپا با تمسخر دربار ایران را مورد انتقاد و ایراد قرار می‌دادند که چرا فلیه گاور، گوشت گوساله جهت اسکالپ کنتل آماده گوساله، صدف سفید، لانگوس، کورد پالم، جگر غاز نروغه، پنیرهای روس‌فورد، خرچنگ تازه، انبه تازه، راسته گوساله، کنکت گوسفند، ۱۰۰ نوع پنیر، فیله ماهی مول، آرتیشو، زامبون، توت‌فرنگی، آب‌نبات، GLACEMINTS و ۱۰۰ نوع مشروبات فرانسوی و انگلیسی و ایتالیایی و امریکایی و روسی و حتی آب گوجه‌فرنگی و قوطی کوکاکولا و پبسی کولا و آب پرتقال و آدامس مصرف روزانه شاه خانواده و مهمانانش از پارس خریداری و با پرپز روزانه هواپیماهای هما به تهران حمل می‌شود. (کتاب زبان دربار به روایت اسناد سلواک، فرح پهلوی، جلد سوم دیده‌شود) می‌گفتند جقدر شاه عاشق آشپزهای فرانسوی است. نمرودیم و دیدیم طبقه جدید تازه به دوران رسیده امروز، مثلبار تومانی رسیده با چای پای پهلوی می‌گذار و میلیاردها تومان پول به دلار و یورو تبدیل می‌شود و حواله خارج می‌گردد که ذائقه گدایان پیشین به این خوراکی‌ها آشنا شود. راستی چه مقامی در وزارت صنایع و معادن و بازرگانی که حالا وزارت صنعت و معدن و تجارت شده است، این مجوزها را امضا می‌کند؟ چرا در کشوری که فقط در دو

استان آذربایجان آن ۱۴۴ نوع انگور شاهانی سیاه و قرمز به عمل می‌آید، وارد کننده‌ای، انگور از آفریقا و برزیل وارد می‌کند؟ چرا باید میوه‌ها ماه‌ها در سردخانه کشتی‌ها از آفریقا و امریکای جنوبی روانه بازارهای ایران شود. چرا پرتقال اسرائیلی از زیر پوشش پرتقال مصری و فلسطینی به ایران می‌آورند و بازار پرتقال‌های درشت مازندران را کسادی می‌کنند؟ این باند مافیایی کیست که بنا واردات خود کم‌ر کشاورزان و میوه‌کاران ایرانی را شکسته است. در خبری خواندم در یکی از استان‌ها چند صدهزار تن شکر کurd دست کارخانه مانده و واردات شکر همچنان ادامه دارد. این چه مذاق‌ای است که باید حتماً دوغ از امارات، گوشت و ماهی وارداتی کوفت جان کند؟ بیگانه پرستی شاخ و دم ندارد. آخر آن بی‌شرم بی‌وجدانی که مجوز می‌دهد هویج از امریکا وارد شود، سنگ قبر از چین و مصر و قبرس وارد شود، چه خونی در رگ‌هایش جریان دارد. در بازارزی در شمال تهران آرتیشو، میوه اژدها، انبه، آب‌گلود، انگور مصری و پایاپای عرضه می‌شود. نوکیسه‌ها پز می‌دهند هر آنچه وارداتی است، خریداری کنند. من نمی‌دانم آن غیرت و همتی که مردم گذشته ایران داشتند، به کجا رفته است. کاشفالدوله سفره‌های به هندوستان رفت و در مراجعه بندر چای را با خود به ایران آورد، حتی دو چاکلر چینی و هندی آورد و در لاهیجان مزارع چای ایجاد کرد و ملت ایران را که سخت به چای علاقه داشت از مصرف چای خارج کرد. آسوده گرد. در جراید خبری خواندم مدت‌هاست فلفل خرد نشده و نساییده به صورت غیر خردفروشی از امارات متحده عربی، برزیل، ویتنام، چین و سنگال وارد می‌کنند. در هشت ماهه امسال ۴هزار و ۲۸۱ تن از ارز ۲۲ میلیون و ۱۷۰هزار و ۳۴۷ دلار وارد کشور شده‌است.

چرا؟ ایران دارای اقلیم‌های آب و هوای گوناگون است. چرا هنوز پس از ۵۰۰ سال، ۸۰۰هال هزار سال که فلفل از هندوستان و جزایر ملوک به ایران صادر می‌شده با هم باید فلفل از خارج وارد کنیم؟ برنج، چای، سیب‌زمینی، خربز، گل آفتابگردان هم زمانی دور، از خارج به ایران آورده شد، و توتون و تنباکو هم همچنین. چرا باید پس از یک هزاره، در کشوری که استعداد کشت هر محصولی را دارد، همچنان چشم به سنگال، برزیل، ویتنام و امارات متحده عربی بدوزیم؟ مگر گوجه فرنگی و کیوی از خارج به ایران آورده نشده؟ این دولت موضوع تولید ار جدی نمی‌گیرد. اما مجوزها بیهوده داده نمی‌شود. گندم، برنج و ذرت همه چیز باید در کشور تولید شود، وای به ملتی که برای قوت روزانه خود محتاج دیگران باشند. من متوجه شده‌ام نوکیسه‌ها عاشق تجملات زرد، سرپهلوی بوده‌اند، منتها آن روزها هم حقیر و پائینی فهمد و هم ادا و اطوارهای انقلابی اجازه نمی‌داده آن بریز و پیاش‌ها را بکنند، حالا که به شکنت رسیده‌اند از مال دولت، در شکم‌چرانی و تجمل‌طلبی کوتاه نمی‌آیند. خواهید دید به زودی حلوژون و ران قورباغه سوخاری هم روی سفره‌شان قرار خواهد گرفت. خواهید دید زامبون دودی هم از فرانسه به ایران صادر شده به پهنه، اینکه فرنگی‌ها می‌خواهند غذای ملی خود را بخورند، روی سفره حشرات قرار خواهد گرفت. البته اکنون هم پیدا می‌شود. خواهید دید خیار و گوجه‌فرنگی هم از خارج وارد خواهند کرد، زیرا اکبرین بوده‌اند، تولید ملی، ایجاد اشتغال نمی‌فهمد و همانطور که اتمومیل خارجی را به قیمت خور بدن‌شان به مردم تحمیل می‌کنند. به‌زودی گوشت گوساله و گوسفند پاریسی و کوسه اقیانوس کبیر و برماهی و تیل‌پیل‌ها هم روی سفره تازه به دوران رسیده‌ها خواهد در خرید.



روزنامه جوان | شماره ۵۲۹۸ | پنج‌شنبه ۲۳ آذر ۱۳۹۶ | ۲۵ بهمن‌لاول ۱۴۳۹ | اذان ظهر: ۱۱:۵۹ | غروب آفتاب: ۱۶:۵۴ | مغرب‌باز: ۱۷:۱۲ | نیمه‌شب‌شعرعی: ۱۲:۱۴ | اذان‌صبح‌فرده: ۵:۲۷ | طلوع آفتاب‌فرده: ۷:۰۰ |

استقبال از الیور توییست در تالار وحدت چه پیامی برای جامعه تئاتری کشور دارد؟

تئاتر را شاد، مردم‌پسند و البته با محتوا اجرا کنید



اسارا اسکویی

نمایش موزیکال الیور توییست، شب‌های شلوغی را در تالار وحدت پشت سر می‌گذارد؛ نمایشی که منتقدان نسبت به آن نظرات متفاوتی دارند، اما مخاطبان تئاتر تا به امروز استقبال خیلی خوبی از آن کرده‌اند و سالن پر تالار وحدت در این شب‌ها گواهی این ادعا است.
ترافیک خیابان‌های اطراف تالار وحدت این شب‌ها از روزهای دیگر بیشتر است. از ساعت ۵ بعد از ظهر جلوی در ورودی تالار از جمعیت پر است و جالب اینکه مثل همیشه چهره‌ها همان شمایلی تپیکال همیشگی اهالی تئاتر نیز اندازند. خانوادله افراد مناسبال، نوجوان‌ها و بچه‌ها یک ساعت بعد از عصر هستند برای دیدن تئاتر موزیکال الیور توییست به کارگردانی حسین پارسایی. فضای داستان‌های دیکنز در حال و هوای لندن مه‌الود به خوبی خود می‌تواند مخاطب را جذب خود کند. داستان الیور توییست برای خیلی از ایرانی‌ها آشناست، چون که سریال و فیلم سینمایی از این شاهکار دیکنز بارها از تلویزیون پخش شده و بخش زیادی از مخاطبان حس نوستالژیکی نسبت به آن دارند و دوست دارند اینبار روایت آن را در سالن تئاتر و روی صحنه ببینند، آن هم به شکل موزیکال.

الیور توییست داستان کودکی است که در نوازخانه بزرگ‌شده و برای تقاضای یک کاسه سوپ بیشتر از آنجا هم طرد می‌شود و در شهری به بزرگی لندن ناگاه با کودکانی هم‌خانه می‌شود که برای قاگین پیر پهلوی پول پرست جبریبی می‌کنند. چیزی که در همه اوله اوله مخاطب این نمایش را اغافلگیر می‌کند، طراحی صحنه آن است، به طوری که مخاطباتی که زیاد اهل دیدن تئاتر نباشند، از این همه پیچیدگی و طراحی صحنه هم لذت می‌برند و همه غافلگیر می‌شوند. با توجه به تعدد لوکیشن‌های این قصه، شش دکور گردان برای آن طراحی

شده است. شاید بشود گفت یکی از سخت‌ترین بخش‌های طراحی و ساخت دکورهایی است که مخاطب کاملاً خود را درون داستان حس می‌کند.

سهیل دانش، طراح صحنه این نمایش در چندجا از ترس خود از قبول طراحی این دکور گفته‌است: «طراحی صحنه این نمایش بسیار سنگین بود و تنها یک ماه برای اجرای آن وقت داشتیم و نکته مهم‌تر هم این بود که باید هم‌زمان هم از امکانات صحنه تالار وحدت استفاده می‌کردیم و هم به نوعی در یک زمان محدود دکورها ساخته می‌شد

که در برنامه‌های دیگری که در این تالار در روزهای نمایش برگزار می‌شد، اختلالی ایجاد نکند که این موضوع کار را بسیار سخت‌تر می‌کرد.»
دکور و طراحی صحنه تا حد امکان بی‌نقص و با در نظر گرفتن جزئیات ریز اجرا شده است. پل لندن با پرسپکتیوی که در نوع اجرای آن است، شاید پرطرفدارترین دکور الیور توییست باشد و این در مورد طراحی لباس هم صدق می‌کند. مویه موی طراحی‌ها به لباس‌های لندن قرن هجدهم شباهت دارد و در آکسسوار حتی پارچه‌های پوسیده اوزن‌ان برای خانه‌قاگین هم فراموش نشده و همه این‌ها بدون طراحی گرم‌ها تکمیل نمی‌شد. بیشتر بازیگرها گرمی‌سنگین دارند و برخی شاید چند بار گرم و لباس عوض می‌کنند. شاید

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیرمسئول: عبدالله گنجی
سرمدبیر: غلامرضا صدیقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نامبار: ۶-۸۸۴۵۶۳۴۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۶-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران- چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

روزنامه جوان | شماره ۵۲۹۸ | پنج‌شنبه ۲۳ آذر ۱۳۹۶ | ۲۵ بهمن‌لاول ۱۴۳۹ | اذان ظهر: ۱۱:۵۹ | غروب آفتاب: ۱۶:۵۴ | مغرب‌باز: ۱۷:۱۲ | نیمه‌شب‌شعرعی: ۱۲:۱۴ | اذان‌صبح‌فرده: ۵:۲۷ | طلوع آفتاب‌فرده: ۷:۰۰ |

حکمت

حکمت ۱۰۷

اگر حلیم و بردبار نیستی خود را به بردباری وادار کن (و همانند حلیمان عمل کن) زیرا کمتر شده‌است کسی خود را شبیه قومی کند و سرانجام از آنان نشود.



یکی از جذاب‌ترین بخش‌های نمایش صحنه‌هایی است که بچه‌ها در آن حضور دارند. با استعدادهایی شگفت‌انگیز که تماشاچی را به بارها دست زدن وامی‌دارند؛ آنها می‌خوانند و با اعتماد به نفس رو به روی جمعیت دیالوگ می‌گویند و مخاطب را به تحسین وامی‌دارند. بازی خوب و روان هوتن شکبیا در نقش قاگین هم یکی دیگر از ویژگی‌ها و امتیازات این نمایش است. شکبیا با آن گرم‌سنگین قاگین را خوب، با نمک، دوست‌داشتنی و گرم‌بازی می‌کند و نیروی پیش‌برنده مخاطب در خیلی از صحنه‌هاست. دارپوش موفق هم در نقش قاضی که تاجی که توانسته بازی گرمی از خود به نمایش گذاشته و صحنه را در لحظاتی پرهیجان و جذاب کرده است. او در سه نقش و با سه گرم متفاوت با هوشیاری، بی‌شک یکی از خوب‌های این نمایش است. بازی او در نقش قاضی بارها مورد تشویق تماشاچیان قرار گرفته‌است. نوید محمدزاده و مهناز افشار مکمل خوبی هستند برای بازی در نقش بیل ساکس و نانسی و تماشاچی آنها را باور می‌کند.

در ۱۵ شب اول به علت عدم حضور نوید محمدزاده در ایران نقش بیلی ساکس را سعید چنگیزیان بازی می‌کرد و محمدزاده در این نقش از تمامی توان حیرت‌انگیز خود برای ایجاد حس جوانی که جاده طلیی و سرخوردگی را با هم دارد، استفاده کرده‌است. در صحنه پایانی و قتل نانسی شاهد یکی از بهترین بازی‌های نوید محمدزاده هستیم. افشار نیز تمامی سعی خود را برای باور پذیر کردن دختری عاشق و خوش‌قلب کرده‌است. هرچند بازی‌اش ایراد بگیرند که روزها شاید نمایان‌گر کم می‌شود. همه اینها را اضافه کنید به جانوی ساز و آواز، گروه نوازنده به رهبری بردیا کیارس و آوازخوان‌ها به رهبری هادی قضات که شاید مهم‌ترین نقش را در دلجیست کردن تئاتر الیور توییست داشته باشند. آوازهای کودکانه و اشعار دلنشین به همراه طراحی‌های خوب علی براتی تماشاچی را از تماشا خسته نمی‌کند. این جزوهای نمایان‌گراتر از پارسای ایراد بگیرند که در روزها شاید نمایان‌گر زرق و برق را با بازیگران سینمایی روی صحنه برده‌است، ولی واقعیت این است که مخاطبان از این نمایش‌های نشان‌دهنده این است که مخاطبان از این نمایش‌های شهره‌وشغرفری، زورزود و بی‌محتوا خسته شده‌اند و دوست دارند یک نمایش واقعی از یک داستان کلاسیک را ببینند که در آن نردیک به دو ساعت بتوانند هم قصه خوب‌بگویند و هم اینکه آنها را سرگرم خودکنند و هم اینکه محتوایی درست را به مخاطب خود منتقل نمایند. الیور توییست را می‌توان از نمونه کارهایی به حساب آورد که تا جایی که توانسته سعی کرده‌است در خدمت شعور مخاطب خود باشد و غامه مردم را با تئاتر آهنگ دهد.

بیست و هشتمین تولد ماه برای کارگردان پیشکسوت

را در کتابی با عنوان «کودکی نیمه‌تمام» منتشر کرده‌است. پوراحمد تاکنون جوایزی چون جایزه ویژه و لوح تقدیر سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری برای فیلم «به خاطر هانی» و سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی جشنواره فیلم فجر برای فیلم «خواهران غریب» را از آن خود کند. مجموعه فیلم‌نامهنویس، تدوینگر و تهیه‌کننده است. پوراحمد کارش را با نقدنویسی آغاز کرد و از ۱۳۵۳ با دستکاری در مجموعهٔ تلویزیونی «آتش‌بازی گرمی‌سنگین دارند و برخی واقع در خیابان ولی عصر (عج)، خیابان اسفندیار مراجعه کنند.

رسانه

خبر خوش معاونت مطبوعاتی برای رسانه‌های مکتوب

کاغذ رسید!

معاون مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرد، «یک محموله کاغذ در حال ترخیص از گمرک است.»

حسین انتظامی گفت: با مساعدت بانک مرکزی که ارز مبادله‌ای در اختیار واردکنندگان کاغذ قرار داد، یک محموله ۱۰ هزار تنی کاغذ روزنامه و کاغذ تحریر در حال ترخیص از گمرک است و تا هفته آینده به انبارهای چاپخانه‌ها می‌رسد. وی افزود: این محموله شامل عرض‌های مختلف مصرفی است که کمک می‌کند التهاب موجود بازار کاغذ مرتع شود.

انتظامی در عین حال تصریح کرد: لازم است از همکاری و مساعدت وزارت صنعت که تدابیر لازم را برای تثبیت بازار فراهم کرد، قدردانی شود. معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی افزود: با نگاه مثبت دولت به حوزه نشر و مطبوعات، موضوع افزایش تعرفه واردات کاغذ منتفی شد تا شایعاتی که در این زمینه موجب بلاتکلیفی واردکنندگان کاغذ شده بود، منتفی شود. به گزارش «ایسنا»، خبر افزایش تعرفه واردات کاغذ و تحریرر روزنامه در هفته‌های اخیر، واکنش برخی از روزنامه‌های خصوصی را به دنبال داشت و در این میان برخی روزنامه‌ها اعلام کردند که در اعتراض به گران شدن کاغذ برای مدتی فقط به صورت الکترونیکی منتشر خواهند شد یا تعداد صفحات خود را کم می‌کنند، البته در ادامه از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت اعلام شد که تعرفه انواع کاغذ چاپ و تحریر و روزنامه تا پایان سال جاری کم‌اگان مطابق روال قبل است و افزایش نخواهد یافت، اما طبق گفته برخی مدیران مسئول روزنامه‌های خصوصی، اعلام صرف این خبر هم به افزایش قیمت کاغذ و کمبود آن منجر شده است.

نما | حسین کشکدار

جسار تا برای پشیمانی کمی زود نیست؟

جواد محرمی

موج اظهار پشیمانی سلبریتی‌ها ادامه دارد. آن‌هم زمانی که احساس شد ممکن است در روند مسافرت به خارج ایشان خللی وارد شود. پیش از این امیر جعفری در جریان انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم تلویحا به اهمیت مسافرت‌های خارجی اشاره کرده بود، آنجا که گفته بود: «عوامانه به مسائل نگاه می‌کنیم، فقط می‌گوییم جوانان بیکار هستند، به خرده هم به خودمون برمی‌گرد، به خرده هم آدمای تنبلی شدیم، شما را قدیم هم که نگاه کنید، همیشه رعیت دوست داشته که مثلا به گونی برنج یا سیب‌زمینی بیشتر بهش بدن، آقا تن پرور دارن بارمون میارن، به خرده غرغرمون زیاد شده، ملیکار شدم، فقر ضعیف همینه، الان هواپیما وارد کشور شده، توریتس وارد شده، فستیوال می‌خوایم بریم با عزت و احترام داریم می‌ریم.»

البته امیر جعفری هنوز به خیل سلبریتی‌های پشیمان اضافه نشده، ولی همانا در حال دودوتا چهارتاست که ببیند همچنان باوجود عوارض‌های جدید می‌شود، راحت فستیوال خارجی رفت یا نه، ولی تنی چند از جماعت سلبریتی خیلی سریع و برای این از این موج عقب نمانند، اعلام موضع را آغاز کرده‌اند تا خیالیه نگرد کسی انگ به آنها نچسباند که دیر اظهارنظر کرده‌اند. در این میان نوید محمدزاده روزور پیش به این افزایش عوارض سفر به خارج واکنش نشان داد، چون این روزها زیاد به خارج می‌رود. آقا حمید فرخ‌نژاد هم دیروز کنایه‌وار عنوان کرد که اگر عوارض خروج از خانه را هم زیاد کنند، ترافیک کاهش می‌یابد.

خلاصه آقا مهرداد میوانند هم دست به کار شد و از همین حالا با رئیس جمهوع که هنوز چهار ماه از عمر دولتش نگذشته خداحافظی کرد. به همین راحتی. آقامهدی فخیم‌زاده هم که ۱۰ روز پیش استارت کار را زده بود و گفته بود پشیمانم و بعد آمد گفت فقط از وضیعت فرهنگی پشیمان است و قسم خورد که از روی ترس حرفش را اصلاح نکرده، هنوز به عوارض سفر خارج واکنش نشان نداده است.

در ضمن مهناز افشار نیز فعلاً مسئله اصلی اش حضور نسوان در ورزشگاه‌هاست و معلوم است افزایش سفر به خارج زیاد ناراحتش نکرده‌است، ولی از اینها که بگذریم سخن یک روزنامه‌نگار فرهنگی درباره این جماعت از همه خوش‌تر و منطقی‌تر است. محمد دیندار طی مطلبی با عنوان «عوارض خروج و سراسیمگی از مابه‌تران!» می‌نویسد: «در حالی که در همین روزها نان گران شده و برای سال آینده پاره‌ان‌نان کمتر می‌شود و افراد بسیاری وجود دارند که نگرانند با این

IPTVها همچنان بی‌قاعده زیاد می‌شوند

دیدن «شهرزاد» و «عالیجناب» تمام هنر شبکه‌های تعاملی



محمدصادق عابدینی

بر تعداد تلویزیون‌های تعاملی که تنها هنر‌شان پخش فیلم‌های شبکه نمایش خانگی و سریال‌های عامه‌پسند شده، همچنان افزوده می‌شود و این رقابت صرفا ضعف نظارت‌پر محتوای این‌سسامانه‌ها را نشان می‌دهد. چندی پیش در جشنواره رسانه‌های دیجیتال و اکنون در جشنواره سراسری فناوری رسانه، تعدادی از سایت‌های ارائه‌دهنده خدمات IPTV و VOD حضور داشتند، سایت‌هایی که اغلب نه می‌توان آنها را IPTV با معنای واقعی کلمه دانست و نه می‌توان آن را صرفا یک VOD برشمرده، حالتی بی‌تابی‌نی که کار قضاوت در مورد عملکردها را سخت می‌کند. بااین وجود، آنچه در ویتترین این سایت‌ها که هر روز بر تعدادشان افزوده می‌شود، بیشتر از هر چیزی خودنمایی می‌کند، محتوای تکراری و کپی‌کاری این سایت‌هاست. پخش فیلم‌ها و سریال‌های شبکه نمایش خانگی در این سایت‌ها به همراه چند عنوان فیلم خارجی، بیشترین فعالیت IPTVها و VODها را شامل می‌شود. کمتر سامانه‌ای را می‌توان پیدا کرد که در آن قسمت‌های فصل‌های اول و دوم شهرزاد را نداشته باشد یا هم‌زمان با پخش سریال‌های «عالیجناب» یا «آشوب» آنها را در خروجی سایت قرار نداده باشند. تقریبا به جز نام و گرافیک سایت‌ها، محتوای تکراری و همین اسامانه‌های اینترنتی، میدان رقابت را به شدت کسل‌کننده کرده‌است. نمونه جالب این بازی کسل‌کننده یکی از سامانه‌های متعلق به صداوسیماست که بعد از تبلیغات فراوان برای راه‌اندازی آن، اکنون تنها به اشتراک چند برنامه محدود مثل دست‌رسی به برنامه‌های شبکه‌های

^[1] IPTVها همچنان بی‌قاعده زیاد می‌شوند

^[2] IPTVها همچنان بی‌قاعده زیاد می‌شوند